

The Prediction of Emotional Creativity based on Family functioning with mediating role of coping styles

Somayeh Sadati Firoozabadi. Ph.D

Assistant Professor in Psychology and Education of Exceptional Children, Shiraz University, Iran.

Sadegh Yousefi. M.A

Student Educational Psychology, Yasouj University, Iran.

Abstract

The purpose of this study was predict emotional creativity based on family functioning with mediating role of coping styles using path analysis. Research method has been discussed the relationship between the variables using correlational test. Statistical society consisted students of second secondary eleventh grade studying in Isfahan the academic year 93-94 while the sampling method was Multi-stage random cluster of girls and boys schools. The instruments included Averill emotional creativity questionnaire (1999), McMaster Family Function Dimensions Questionnaire (1983), Endler and Parker Coping Style Questionnaire (1990) and the data obtained were analyzed using path analysis. The path analysis, preformed via LISREL software, showed that the components of Family Functioning could predict students' emotional creativity at $P < 0.05$. In detail, problem-solving, behavior control and overall performance components had direct and indirect effect on emotional creativity positively. In regard of mediation role the results showed that. The dimensions of avoidance-focused style and problem-focused style (of coping style) had a mediating role between family functioning and emotional creativity. These results compel us to be aware of the importance of the family functioning and coping styles on emotional creativity of students. A greater concentrate on coping style (i.e. avoidance-focused style and problem-focused style) and proper family functioning (i.e. problem-solving, behavior control and overall performance components) could improve emotional creativity among students.

Keywords: emotional creative, family function, coping styles.

پیش‌بینی خلاقیت هیجانی بر اساس ابعاد کارکرد خانواده با نقش واسطه‌ای سبک‌های مقابله‌ای

سمیه ساداتی فیروزآبادی*

استادیار روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه شیراز، ایران.

صادق یوسفی

کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه یاسوج، ایران.

چکیده

هدف از انجام پژوهش، پیش‌بینی خلاقیت هیجانی بر اساس ابعاد کارکرد خانواده با نقش واسطه‌ای سبک‌های مقابله‌ای است. روش پژوهش با استفاده از آزمون همبستگی، رابطه بین متغیرها را مورد بحث و بررسی قرار داده است و جامعه آماری پژوهش، دانش‌آموزان پایه یازدهم متوسطه اصفهان که در سال تحصیلی ۹۳-۹۴ مشغول به تحصیل بودند که به شیوه خوشه‌ای چندمرحله‌ای در مدارس دخترانه و پسرانه انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه خلاقیت هیجانی آوریل (۱۹۹۹)، پرسشنامه ابعاد کارکرد خانواده مک مستر (۱۹۸۳) و پرسشنامه سبک مقابله‌ای اندلر و پارکر (۱۹۹۰) بود. روش آماری مورد استفاده تحلیل مسیر بود. نتایج تحلیل مسیر حاکی از آن بود که مؤلفه‌های کارکرد خانواده خلاقیت هیجانی را در سطح $P < 0.05$ معنادار پیش‌بینی می‌کنند. بدین صورت که مؤلفه حل مشکل، کنترل رفتار و کارکرد کلی اثر مستقیم و غیرمستقیم بر خلاقیت هیجانی دانش‌آموزان داشت. در ارتباط با نقش واسطه‌ای نتایج حاکی از آن بود که مؤلفه‌های مسئله‌مدار و اجتناب‌مدار نقش واسطه‌ای را بین کارکرد خانواده و خلاقیت ایفا می‌کنند. نتایج این تحقیق ما را از اهمیت کارکرد خانواده و سبک‌های مقابله‌ای بر خلاقیت هیجانی آگاه می‌کند. بدین صورت که تمرکز بیشتر بر راهبردهای مقابله‌ای و کارکرد خانواده مناسب مثل (حل مشکل، کنترل رفتار و کارکرد کلی) خلاقیت هیجانی دانش‌آموزان را بهبود می‌بخشد.

واژه‌های کلیدی: خلاقیت هیجانی، کارکرد خانواده، سبک‌های مقابله‌ای.

*. نویسنده مسئول: somayehsadati@shirazu.ac.ir

مقدمه

انسان‌ها در عین حال که موجوداتی عقلانی هستند، خصایص هیجانی نیز دارند که این ویژگی، آنها را به موجودی هیجانی تبدیل کرده است. سال‌ها در فرهنگ‌های مختلف به واسطه سنت‌ها و قواعد مرسوم، عمل کردن بر اساس هیجان‌ها مذموم شمرده می‌شد؛ زیرا این باور وجود داشت که هیجان منشأ خشونت و مختص حیوانات هستند و این ویژگی با فرآیندهای عالی تفکر همچون هوش و هیجان در تضاد هستند؛ اما امروزه روان‌شناسان با طرح مفهوم هوش هیجانی^۱ و خلاقیت هیجانی سعی داشته‌اند این موضوع را روشن کنند که این دو مقوله یعنی هوش و هیجان و یا خلاقیت و هیجان در تقابل با یکدیگر نیستند (آوریل^۲، ۲۰۰۷).

آوریل (۲۰۰۷) معتقد است افراد دارای هوش هیجانی باورها و قواعدی را به شکل معناداری درک می‌کنند و قادر هستند به طور صحیح موقعیت را ارزیابی و احساسات خود را ماهرانه بیان کنند. اگر پاسخ ارائه‌شده در تطابق با باورها و قواعد فرهنگی باشد، مؤثر بودن و همین‌طور «هوشمند»^۳ بودن آن محتمل است. به این سبب، هوش هیجانی یک مؤلفه همگرا^۴ هست یعنی همگرایی به سمت آنچه مورد پذیرش فرهنگ است. علاوه بر این دو پیامد دیگر نیز ممکن است: یک پاسخ یا رخداد هیجانی می‌تواند از سنت و قاعده مرسوم فاصله گیرد که در این شرایط می‌توان به نوعی واگرایی^۵ در ارائه پاسخ اشاره کرد. اگر این واگرایی دربرگیرنده نوعی پاسخ غیرسازنده و منفی باشد می‌توان روان‌نژند^۶ تلقی شود، ولی اگر دربرگیرنده پیامدهای مثبت برای خود و دیگران باشد حتی در صورت انحراف از هنجارها به عنوان یک پاسخ و رخداد هیجانی خلاق شناخته خواهد شد.

خلاقیت هیجانی^۷ در رویکردی جدید که موازی با هوش هیجانی مطرح شده است، به عنوان عاملی مؤثر در تنظیم هیجان‌ها و بهداشت روانی مورد توجه قرار گرفته است. نظر بر این است که خلاقیت هیجانی با غنای زندگی هیجانی شخص در ارتباط است (آیوسویک، براکت، مایر^۸، ۲۰۰۷).

ایده خلاقیت هیجانی توسط آوریل (۲۰۰۱) طرح شده است. او خلاقیت هیجانی را شامل سه معیار نوآوری، کارایی (اثربخشی) و اصالت توصیف می‌کند. در این خصوص آوریل (۲۰۰۷) معتقد است افراد با خلاقیت هیجانی قادرند به طور صحیح موقعیت را ارزیابی و احساسات خود را ماهرانه بیان کنند. خلاقیت هیجانی ابزار خود (صدقت) به روش جدید (بداعت) است که بر اساس آن خطوط فکری فرد بسط یافته (اثربخشی) و روابط میان فردی او افزایش می‌یابد (جوکار، البرزی، ۱۳۸۹). آوریل (۲۰۰۱) در تحقیقات خود نشان داد که در موضوع خلاقیت هیجانی، مردم در ابراز احساسات و تجارب خلاقانه خود باهم دیگر متفاوت هستند. او خلاقیت هیجانی را به توانایی هر فردی در احساس و ابراز آن احساسات که به صورت منحصر به فرد نیز است، تعریف می‌کند. آوریل و نانلی^۹ (۱۹۹۲) معتقدند افراد مستعد بروز هیجان‌ات خلاقانه، بیشتر از سایرین برای شناخت هیجانی زمان صرف می‌کنند و توجه بیشتری به هیجان‌ات خود و دیگران دارند. از زمان مطرح شدن خلاقیت هیجانی پژوهش‌های بسیاری به بررسی و شناسایی عوامل تأثیرگذار بر آنها اقدام کرده‌اند. از جمله عوامل تأثیرگذار بر روی خلاقیت هیجانی شامل عملکرد خانواده، شخصیت، سبک‌های مقابله‌ای افراد، تعامل اجتماعی، محیط زندگی فرد و غیره است. از میان این عوامل، یکی از مهم‌ترین این عوامل اثرگذار بر خلاقیت هیجانی که کمتر پژوهشی در این باره انجام گرفته است، ابعاد کارکرد خانواده است.

خانواده از ارکان عمده و نهادهای اصلی هر جامعه و یکی از طبیعی‌ترین گروه‌هایی است که می‌تواند نیازهای مادی، عاطفی، تکاملی و همچنین نیازهای معنوی انسان‌ها را برطرف نماید. این واحد اجتماعی مبدأ بروز عواطف انسانی و کانون صمیمانه‌ترین روابط و تعاملات بین فردی است. اهمیت خانواده به اندازه‌ای است که سلامت و بالندگی هر جامعه‌ای وابسته به سلامت و رشد خانواده‌های آن است و هیچ‌یک از آسیب‌های اجتماعی فارغ از تأثیر خانواده پدید نیامده است (ساروخانی، ۱۳۷۷).

1. emotional Intelligence
3. intelligent
5. divergent
7. emotional creativity
9. Nunley

2. Averill
4. convergent
6. neurotic
8. Ivcevic, Brackett & Mayer

از نظر کارکردی و بهداشت روانی در هر خانواده به بهبود تمام کارکردهای عاطفی، شناختی و رفتاری افراد خانواده منجر می‌شود و آنها را به بالاترین سطح ارتقا می‌دهد به طوری که افراد از توانایی‌های ذاتی خود در حد کمال استفاده می‌نمایند و یک حالت سازگاری خوب، احساس بهزیستی و نگرش مثبت به زندگی و دیگران را ایجاد می‌کند. کارکرد خانواده جنبه مهم محیط خانوادگی است که در سلامت جسمانی، اجتماعی و هیجانی کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عبارتی محیط برانگیزنده و پرورش‌دهنده، کودکان را قادر می‌سازد تا یاد بگیرند و پیشرفت کنند. در پژوهشی که صبری و همکاران (۱۳۹۲) در بررسی رابطه الگوهای ارتباطی خانواده، هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی صورت گرفته، نتایج نشان داد رابطه معناداری بین بعد گفت‌وشنود و خلاقیت هیجانی وجود دارد.

آن‌چنان‌که در قبل بیان شد خلاقیت هیجانی متأثر از عوامل مختلفی می‌تواند باشد که یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر خلاقیت هیجانی، سبک‌های مقابله‌ای^۱ افراد در برخورد با استرس و فشارها است. از عوامل مهمی که سلامت روان انسان را به مخاطره می‌اندازد، مواجه شدن او با وقایع ناخوشایندی است که به طور روزمره با آنها سروکار دارد. هریک از این وقایع ممکن است انسان را تحت تنیدگی قرار می‌دهد. در زندگی هر نوجوان فراز و نشیب‌های زیادی وجود دارد که تا وقتی بیش از اندازه افراطی نباشد، موجب جالبی و هیجان‌انگیز بودن زندگی می‌شود؛ اما افرادی که تحت استرس شدیدی هستند در معرض آسیب جدی قرار خواهند گرفت. از این رو مهارت‌هایی قابل فراگیری هستند و می‌توان با صرف وقت و تلاش آنها را به چهارچوب مقابله‌ای فرد افزود (آوریل، لیرا، کواریبیاس و مولینا^۲، ۲۰۱۶؛ استوییس و والرند^۳، ۲۰۱۵؛ سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۰۱). بیلینگر و موس^۴ (۱۹۸۱) مقابله را واکنش‌های شناختی و رفتاری افراد که در پاسخ به موقعیت و عوامل فشارزا که در زندگی اخیرشان اتفاقی افتاده است تعریف می‌کنند. لازاروس مقابله را تلاش برای کنترل و اداره موقعیت‌های به نظر خطرناک و استرس‌زا تعریف کرده است. سایپینگتون (۱۳۸۲) معتقد است در استفاده از سبک‌های مقابله‌ای هر یک از افراد

به شیوه‌های متفاوت عمل می‌کنند و هیچ‌کس به محرک تنش‌زا، پاسخی را که دیگران به آن داده‌اند، نمی‌دهد. ویژگی‌های مقابله مهم است، زیرا به ما امکان می‌دهد تا راهبردهای مقابله‌ای متفاوت را مطالعه و بررسی کرده و دریابیم کدام سبک در موقعیت‌ها و شرایط مختلف مناسب‌تر است. به طور کلی سه راهبرد اصلی مقابله با فشار راهبرد روانی وجود دارد که عبارت‌اند از ۱. راهبرد مقابله‌ای مسئله‌مدار ۲. راهبرد مقابله‌ای هیجان‌مدار ۳. راهبرد مقابله‌ای اجتنابی. در سبک مقابله مسئله‌مدار فرد بر مسئله متمرکز می‌شود و سعی بر حل آن دارد. در این سبک، فرد به جمع‌آوری اطلاعات مربوط به حادثه فشارزا می‌پردازد، درباره آن فکر می‌کند، منابعی را که از آن برخوردار است ارزیابی می‌کند و برای استفاده از منابع در دسترس خود طرح و برنامه‌ای آماده می‌کند. مقابله هیجان‌مدار بر کنترل هیجانات و واکنش‌های عاطفی تأکید می‌نماید. افراد در این سبک مقابله، هیجانی برخورد می‌کنند و با گریه کردن، عصبانی شدن و فریاد زدن با فشار روانی مقابله می‌کنند. در سبک مقابله‌ای اجتنابی، فرد سعی در تغییرات شناختی و دور شدن از واقعیت فشار آور دارد و با فاصله گرفتن از مشکل، اقدام به فرار و اجتناب کرده و برای دریافت حمایت عاطفی تلاش می‌کند. در این حالت فرد به دنبال برگرداندن آرامش به هم‌خورده‌ای است که به خاطر موقعیت فشارزا، به وجود آمده است و کوشش می‌کند تا خود را از آشفتگی‌های موجود و پریشانی برهاند. در تحقیقی که داوری (۱۳۸۶)، در رابطه خلاقیت و هوش هیجانی، با سبک کنار آمدن با استرس نشان داد که هوش هیجانی با استفاده از سبک کنار آمدن مسئله‌مدار، با استرس رابطه دارد؛ که نتایج فوق را نیز حمیدی (۱۳۸۶) نیز در پژوهش خود به آن دست‌یافته بود.

با توجه به اینکه در ارتباط کارکرد خانواده و سبک مقابله‌ای و خلاقیت هیجانی در دانش‌آموزان پیشینه تحقیقاتی موجود نیست یا اگر وجود داشته باشد، کم و غیرقابل دسترس است؛ با وجود این تحقیقات اما رابطه بین این سه متغیر مورد بررسی قرار نگرفته و خلأ پژوهشی در این زمینه محسوس است. از این رو پژوهش حاضر برای نخستین بار به تبیین رابطه خلاقیت هیجانی و مدل کارکرد خانواده

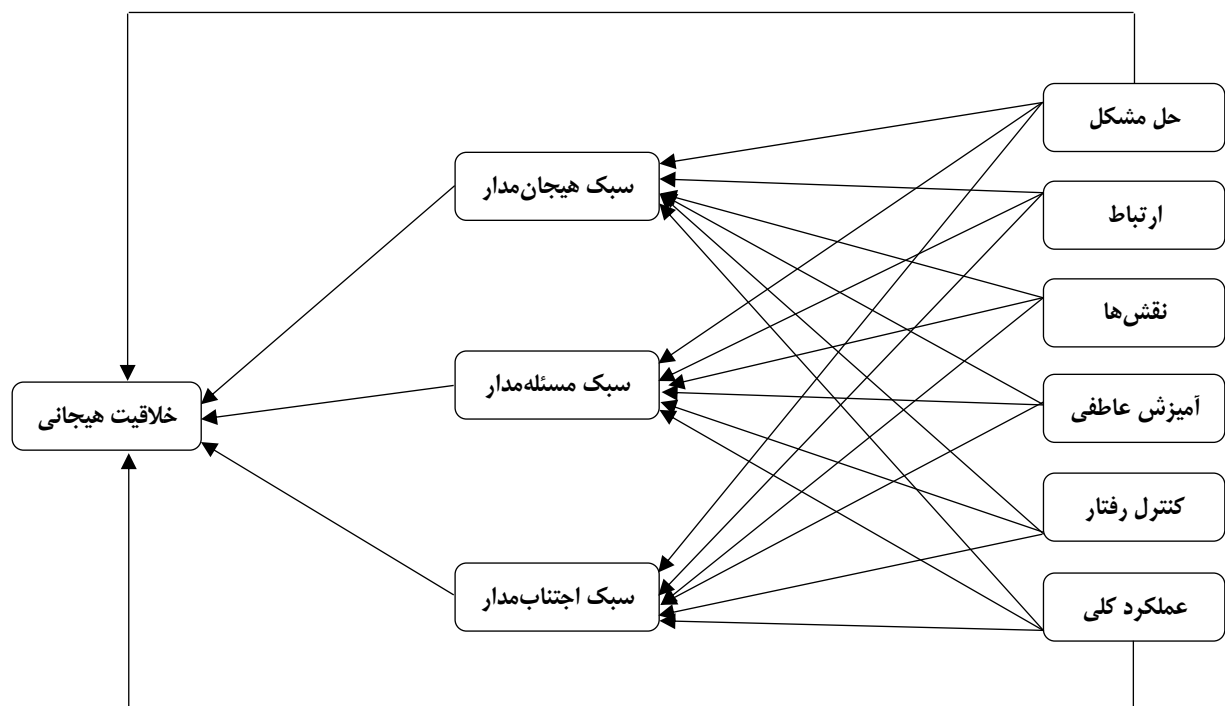
مک‌مستر و سبک مقابله‌ای در دانش‌آموزان پرداخته است. از این‌رو هدف اصلی این پژوهش رابطه خلاقیت هیجانی و ابعاد کارکرد خانواده و سبک‌های مقابله‌ای در دانش‌آموزان است که به‌منظور رسیدن به هدف، پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به فرضیات زیر است:

۱. کارکرد خانواده می‌تواند خلاقیت هیجانی دانش‌آموزان را پیش‌بینی کند.

۲. سبک‌های مقابله‌ای می‌تواند خلاقیت هیجانی در دانش‌آموزان را پیش‌بینی کند.

۳. کارکرد خانواده می‌تواند سبک‌های مقابله‌ای در دانش‌آموزان را پیش‌بینی کند.

لذا طبق فرضیات فوق مدلی طبق شکل ۱ ارائه گردید.



شکل ۱. مدل فرضی اولیه در پیش‌بینی خلاقیت هیجانی

مبتنی است. این ابزار به‌عنوان بخشی از پایان‌نامه کارشناسی ارشد توماس^۲ در سال ۱۹۸۹ طراحی و اجرا شده و طی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۹ توسط آوریل و همکارانش مورد تجدیدنظر قرار گرفت. در چهارمین بازنگری، تغییرات اجرا درآمد (آوریل، ۱۹۹۹). این ابزار چهار بعد خلاقیت هیجانی یعنی «آمادگی»، «نوآوری»، «کارایی» و «اصالت» را اندازه‌گیری می‌کند. این ابزار دارای پنجاه عبارت (سی عبارت اصلی و بیست عبارت خنثی) هست. سی عبارت اصلی و تحلیل عوامل بر روی این پرسشنامه انجام گرفت و نسخه نهایی در سال ۱۹۹۹ توسط آنها صورت گرفت که شامل ۷ عبارت برای آمادگی، ۱۴ عبارت برای نوآوری، ۵ عبارت

روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: جامعه آماری پژوهش، شامل دانش‌آموزان پسر و دختر شاغل به تحصیل در پایه دوم در رشته‌های ریاضی و تجربی مقطع دبیرستان (متوسطه دوم) که در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ در مدارس عادی آموزش و پرورش ناحیه ۱ شهر اصفهان با جمعیت ۸۲۵ نفر مشغول به تحصیل می‌باشند.

ابزار پژوهش

۱. مقیاس خلاقیت هیجانی: پرسشنامه خلاقیت هیجانی^۱، یک مقیاس مداد-کاغذی است که بر گزارش خود افراد

۴۳، ۵۲، ۵۹؛ نقش‌ها (سؤال‌های ۴، ۱۰، ۱۵، ۲۳، ۳۰، ۳۴، ۴۰، ۴۵، ۵۳)؛ همراهی عاطفی (سؤال‌های ۵، ۹، ۱۹، ۲۸، ۳۹، ۴۹، ۵۷)؛ آمیزش عاطفی (سؤال‌های ۱۳، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۳۳، ۳۵، ۳۷، ۴۲، ۵۴)؛ کنترل رفتار (سؤال‌های ۷، ۱۷، ۲۷، ۳۲، ۴۴، ۴۷، ۴۸، ۵۵، ۵۸)؛ کارکرد کلی (سؤال‌های ۱، ۶، ۸، ۱۱، ۱۶، ۲۰، ۲۶، ۳۱، ۳۶، ۴۱، ۴۶، ۵۱، ۵۶). نمونه سؤال‌های پرسشنامه شامل ۱. ما اکثر مشکلات روزمره خانواده را حل می‌کنیم و ۲. وقتی یکی از اعضای خانواده ما ناراحت باشد، بقیه علت آن را می‌دانند، است. ثنایی و امینی (۱۳۷۹) در پژوهش خود پایایی نسخه ۴۱ سؤالی مقیاس کارکرد خانواده را ۰/۹۲ برآورد کرد وی ضریب آلفای کرونباخ ۷ خرده‌مقیاس را چنین ذکر نمود: حل مشکل ۰/۶۱، ارتباط ۰/۳۸، نقش‌ها ۰/۷۲، همراهی عاطفی ۰/۶۴، آمیزش عاطفی ۰/۶۵، کنترل رفتار ۰/۶۱ و کارکرد کلی ۰/۸۱ که نشان می‌دهد غیر از خرده‌مقیاس ارتباط بقیه همسانی درونی نسبتاً خوبی دارند. در پژوهش حاضر، برای بررسی پایایی نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برای نمره کل کارکرد خانواده ضریب ۰/۹۶ به دست آمد. همچنین مؤلفه‌های حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی، کنترل رفتار، کارکرد کلی، به ترتیب ضرایب ۰/۶۴، ۰/۷۷، ۰/۸۲، ۰/۸۴، ۰/۷۵، ۰/۷۴، ۰/۸۵ به دست آمد. مقیاس کارکرد خانواده تا حدی دارای روایی همزمان و پیش‌بین است. این ابزار در یک مطالعه مستقل روی ۱۷۸ زوج حدوداً ۶۰ ساله با مقیاس رضایت زناشویی لاک - والاس همبستگی متوسط داشت و قدرت نسبتاً خوبی برای پیش‌بینی نمرات مقیاس روحیه سالمندی فیلدلفیا نشان داده است. به‌علاوه این ابزار قدرت تمایزسازی اعضای خانواده‌های بالینی و خانواده‌های غیر بالینی دارد بنابراین در هفت خرده‌مقیاس خود دارای روایی خوبی برای گروه‌ها شناخته شده است (ثنایی و امینی، ۱۳۷۹).

۳. مقیاس سبک‌های مقابله‌ای: در این تحقیق برای سبک مقابله با فشار روانی از پرسشنامه مقابله با بحران^۳ اندلر و پارکر^۴ (۱۹۹۰) استفاده شد. یک ابزار اندازه‌گیری مداد - کاغذی، خود گزارشی است که شامل چهل‌وهشت عبارت است که پاسخ‌های هر عبارت به روش لیکرت از «هرگز» (۱) تا «خیلی زیاد» (۵) مشخص شده است. نمونه سؤال‌های

برای کارایی و ۴ عبارت برای اصالت است. چهار ملاک مزبور در چارچوب سه خرده‌مقیاس آمادگی، نوآوری، اثربخشی / اصالت در آزمون خلاقیت هیجانی سنجیده می‌شود. این مقیاس صرفاً برای اهداف غربال‌گری درزمینه خلاقیت هیجانی طراحی گردیده است. استفاده از این ابزار در ایران برای اولین بار توسط قدیری نژادیان (۱۳۸۱) صورت گرفته است. این آزمون در یک طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (خیلی کمتر - تا حدی کمتر - تقریباً برابر - تا حدی بیشتر - خیلی بیشتر) تنظیم شده‌اند. نمونه سؤال‌های پرسشنامه شامل ۱. عکس‌العمل عاطفی من متفاوت و منحصر به فرد است؛ و ۲. می‌توانم به‌طور همزمان احساس تنهایی، عصبانیت و شادی داشته باشم، است. هاشمی (۱۳۸۸) پایایی کل آزمون را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۴ و ضرایب پایایی خرده‌مقیاس‌های آمادگی ۰/۶۴، نوآوری ۰/۸۵ و اثربخشی / اصالت ۰/۷۱ برآورد کرد. در پژوهش حاضر، برای بررسی پایایی نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برای نمره کل خلاقیت هیجانی، ضریب ۰/۹۴ و برای ابعاد آمادگی، بداعت و اثربخشی / اصالت به ترتیب، ضرایب ۰/۷۸، ۰/۹۲، ۰/۷۳ به دست آمده است. روایی این پرسشنامه در پژوهش قدیری نژادیان (۱۳۸۱)، قدیری نژادیان و هاشمی (۱۳۸۸) و قدیری نژادیان و عابدی (۲۰۱۰) توسط متخصصان مورد تأیید قرار گرفته است.

۲. مقیاس کارکرد خانواده: مقیاس کارکرد خانواده^۱ یک پرسشنامه ۶۰ سؤالی است که برای سنجیدن کارکرد خانواده بر مبنای الگوی مک مستر که قبلاً ذکر شد، تدوین شده است. این ابزار در سال ۱۹۸۳ توسط اپستین، بالدوین و بیشاب^۲ باهدف توصیف ویژگی‌های سازمانی و ساختاری خانواده تهیه شده است که توانایی خانواده را در سازش با حوزه وظایف خانوادگی با یک مقیاس خود گزارش دهی، موردسنجش و ارزیابی قرار می‌دهد (صیادی، ۱۳۸۱). مقیاس کارکرد خانواده دارای شش بعد است: برای ارزیابی هرکدام از خرده‌مقیاس‌های کارکرد خانواده، سؤال‌های خاصی در پرسشنامه گنجانیده شده است. خرده‌مقیاس‌ها و سؤال‌های مربوط به آنها در زیر آورده شده‌اند: حل مشکل (سؤال‌های ۲، ۱۲، ۲۴، ۳۸، ۶۰، ۵۰)؛ ارتباط (سؤال‌های ۳، ۱۴، ۱۸، ۲۹،

1. Family Assessment Device (FAD)

3. Coping Inventory for Stressful Situations (CISS)

2. Epstein, Baldwin & Bishop

4. Endler & Parker

به‌دست‌آمده است. روایی پرسشنامه مذکور نیز طی تحقیقاتی که در ایران انجام شده ثابت گردیده است.

یافته‌ها

داده‌های حاصل از پژوهش به‌وسیله نرم‌افزار SPSS^۱ تجزیه و تحلیل گردید که نتایج به‌دست‌آمده از محاسبات آماری برای آزمون پرسش‌های پژوهش به ترتیب زیر است.

ماتریس همبستگی متغیرها

نتایج آزمون همبستگی بین متغیرهای پژوهش در جدول ۱ گزارش شده است. در این جدول ابعاد کارکرد خانواده و ابعاد خلاقیت و سبک‌های مقابله‌ای گزارش شده است. نتایج نشان می‌دهد که بعد اثربخشی در مقایسه با دو بعد نوآوری و آمادگی دارای روابط معنی‌دار بیشتری با متغیرهای سبک‌های مقابله‌ای و ابعاد کارکرد خانواده است ($P < 0/05$).

با توجه به هدف پژوهش حاضر مبنی ارائه مدلی برای خلاقیت هیجانی دانش‌آموزان تیزهوش بر اساس کارکرد خانواده با نقش واسطه‌ای سبک مقابله‌ای از روش تحلیل مسیر که در ادامه به بیان آن پرداخته شده است.

پرسشنامه شامل ۱. وقتم را به نحو بهتری تنظیم می‌کنم. ۲. در بدنم احساس درد می‌کنم، است. «سیاهه مقابله با موقعیت تنیدگی‌زا» سه زمینه اصلی رفتارهای مقابله‌ای را در برمی‌گیرد که عبارت‌اند از: «مقابله مسئله مدار»، «مقابله هیجان مدار» و «مقابله اجتنابی». ابزار موردنظر دارای دو فرم بزرگسالان و نوجوانان است که در این تحقیق از فرم نوجوانان استفاده شده است. با توجه به اینکه آزمون به‌صورت پنج‌درجه‌ای لیکرت است، حداکثر نمره برای هر عبارت نمره ۵ و حداقل نمره ۱ است. با توجه به یافته‌های سازندگان آزمون اندلر و پارکر، ۱۹۹۰ و همچنین متخصصان و روان‌شناسان، به‌ویژه روان‌شناسی بالینی، چنین استنباط می‌شود که آزمون موردنظر برای سنجش سبک‌های مقابله با تنیدگی از روایی مطلوبی برخوردار است (جعفرنژاد، ۱۳۸۲). ضریب اعتبار پرسشنامه با موقعیت‌های استرس‌زا از طریق آلفای کرونباخ در پژوهش قریشی (به نقل از حاجت‌بیگی، ۱۳۷۹) در سطح بالایی (۰/۸۱۳۳) به‌دست آمده است. در پژوهش حاضر، برای بررسی پایایی نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برای نمره کل سبک مقابله‌ای، ضریب ۰/۹۴ و برای ابعاد مسئله‌مداری، هیجان‌مدار و اجتناب‌مداری به ترتیب، ضرایب ۰/۹۳، ۰/۸۹، ۰/۹۰

جدول ۱. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

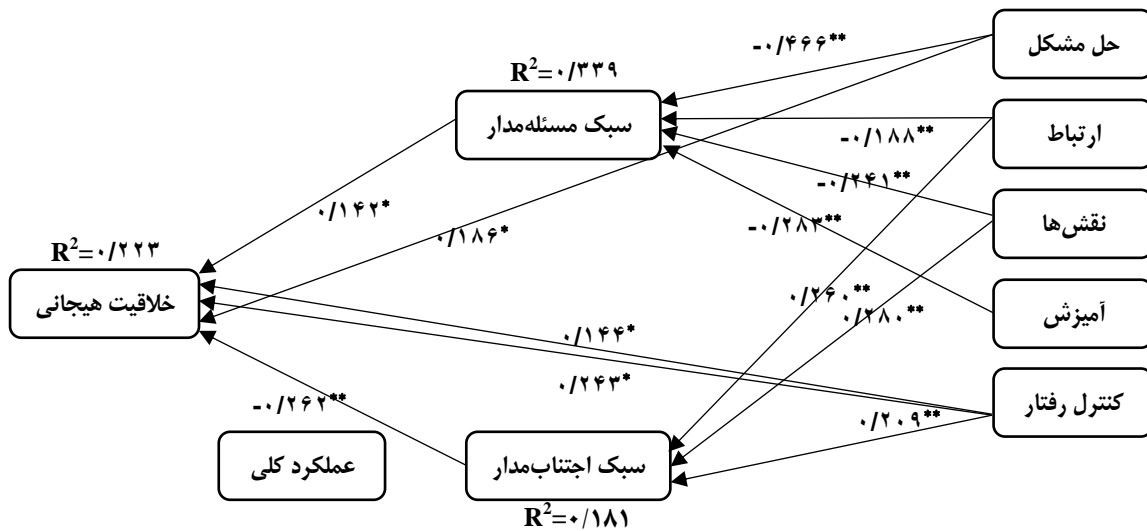
متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
حل مشکل	۱												
ارتباط	۰/۵۵**	۱											
نقش‌ها	۰/۴۱**	۰/۴۳**	۱										
همراهی عاطفی	۰/۴۰**	۰/۴۰**	۰/۴۳**	۱									
آمیزش عاطفی	۰/۴۳**	۰/۴۸**	۰/۶۶**	۰/۴۲**	۱								
کنترل رفتار	۰/۳۵**	۰/۴۱**	۰/۴۶**	۰/۳۹**	۰/۴۴**	۱							
عملکرد کلی	۰/۶۵**	۰/۵۹**	۰/۶۹**	۰/۴۵**	۰/۷۰**	۰/۵۳**	۱						
مسئله مدار	-۰/۵۳**	-۰/۳۹**	-۰/۳۰**	-۰/۲۲**	-۰/۱۵*	-۰/۱۷**	۰/۳۵**	۱					
هیجان مدار	-۰/۱۸**	-۰/۱۳*	-۰/۳۵**	-۰/۲۵**	-۰/۳۱**	-۰/۳۰**	-۰/۳۹**	-۰/۰۱	۱				
اجتناب مدار	۰/۲۵**	۰/۳۳**	۰/۳۱**	۰/۱۹**	-۰/۲۴**	۰/۰۵	۰/۲۸**	۰/۳۰**	۰/۱۳*	۱			
نوآوری	۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۰۴	-۰/۰۵	۰/۰۱	۰/۰۴	۰/۰۱	۰/۰۹	-۰/۱۲	-۰/۳۸**	۱		
آمادگی	-۰/۱۳*	-۰/۰۸	-۰/۰۱	-۰/۱۳*	-۰/۰۵	-۰/۰۷	۰/۲۸	۰/۱۴*	-۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۱۴*	۱	
اثربخشی	۰/۲۶**	۰/۱۲	۰/۱۵*	۰/۱۶*	۰/۱۱	۰/۰۳	۰/۲۴**	۰/۲۲**	-۰/۰۸	-۰/۲۹**	۰/۲۳**	۱۵/۰*	۱

** معنی‌داری در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($P < 0/01$)

* معنی‌داری در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($P < 0/05$)

همان‌طور که در مدل نشان داده شده فرضیات ابعاد کارکرد خانواده (حل مشکل، کنترل رفتار و کارکرد کلی) و مؤلفه‌های سبک مقابله‌ای (مسئله‌مدار و اجتناب‌مدار) به شکل واسطه‌ای تأیید شدند. بدین صورت که از بین متغیرهای برون‌زاد، مؤلفه حل مشکل، کنترل رفتار و کارکرد کلی اثر مستقیم و غیرمستقیم بر خلاقیت هیجانی دانش‌آموزان داشت. در ارتباط با نقش واسطه‌ای نتایج حاکی از آن بود که مؤلفه‌های مسئله‌مدار و اجتناب‌مدار نقش واسطه‌ای را بین کارکرد خانواده و خلاقیت ایفا می‌کنند.

به‌منظور تحلیل اطلاعات، ابتدا مدل رگرسیون چندگانه را با استفاده از روش گام‌به‌گام تعیین گردید و سپس متغیرهایی که دارای رابطه معنی‌داری با متغیرهای وابسته نبودند، حذف شده و به دنبال آن با استفاده از تحلیل مسیر آثار مستقیم، غیرمستقیم و اثر کل هر یک از متغیرها بر متغیر وابسته بررسی گردید. همان‌طور که بر اساس یافته‌ها، پژوهش حاضر مدل نهایی پیش‌بینی خلاقیت هیجانی بر اساس کارکرد خانواده با نقش واسطه‌ای سبک‌های مقابله‌ای مطابق شکل شماره ۲ به‌دست آمده است.



شکل ۱. مدل نهایی پیش‌بینی خلاقیت هیجانی

جدول ۲. اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای پژوهش بر خلاقیت هیجانی

معناداری	اثرات کل	معناداری	اثرات غیرمستقیم	معناداری	اثرات مستقیم	مسیرهای به روی خلاقیت هیجانی
۰/۰۴۱	۰/۱۰۱	۰/۰۰۵	-۰/۰۸۵	۰/۰۰۱	۰/۱۸۶	حل مشکل
۰/۴	-۰/۱۶۹	۰/۰۰۰۱	-۰/۲۴۸	۰/۵	۰/۰۷۹	ارتباط
۰/۱۸	-۰/۰۸۱	۰/۰۳	-۰/۰۹۸	۰/۶۸	۰/۰۱۷	نقش‌ها
۰/۰۴	۰/۱۳۰	۰/۱۱	-۰/۰۰۴	۰/۰۵۶	۰/۱۲۴	همراهی عاطفی
۰/۱۱	۰/۰۹۶	۰/۱۶	-۰/۰۱۲	۰/۰۶۳	۰/۱۰۸	آمیزش عاطفی
۰/۱۳	۰/۰۹۲	۰/۰۴	-۰/۰۵۲	۰/۰۲	۰/۱۴۴	کنترل رفتار
۰/۰۰۰۱	۰/۱۹۷	۰/۰۱	-۰/۰۲۶	۰/۰۰۱	۰/۲۴۳	عملکرد کلی
۰/۰۰۵	۰/۱۴۲	-	-	۰/۰۰۳	۰/۱۴۲	مسئله‌مدار
۰/۱۳	-۰/۰۸۳	-	-	۰/۱۱	-۰/۰۸۳	هیجان‌مدار
۰/۰۰۰۱	-۰/۲۶۲	-	-	۰/۰۰۴	-۰/۲۶۲	اجتناب‌مدار

ضریب رگرسیونی آن برابر با ۰/۲۶۲ به دست آمده است و نشان می‌دهد که در بین متغیرهای مدل، سبک اجتناب‌مدار بهترین پیش‌بینی‌کننده خلاقیت هیجانی است. بعد از سبک اجتناب‌مدار، مؤلفه کارکرد کلی با ضریب استاندارد شده ۰/۱۹۷- و مؤلفه ارتباط با ضریب استاندارد شده ۰/۱۶۹- دارای بیشترین تأثیر بر خلاقیت هیجانی هستند. به منظور برآزش مدل از شاخص‌های برآزش استفاده گردید که نتایج آن در جدول شماره ۳ آورده شده است.

به منظور روشن شدن بهتر و بررسی نقش واسطه‌ای سبک‌های مقابله‌ای، در جدول ۲ اثر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای برون‌زاد بر خلاقیت هیجانی آمده است. همان‌طور که نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد از بین مؤلفه‌های الگوی ارتباطی خانواده مؤلفه‌های حل مشکل، کنترل رفتار و عملکرد کلی به ترتیب با ضرایب ۰/۱۸۶، ۰/۱۴۴، ۰/۲۴۳ اثر مستقیم بر خلاقیت هیجانی داشتند و بیشترین اثر (کل) بر خلاقیت هیجانی مربوط به سبک اجتناب‌مدار است که

جدول ۳. مشخصه‌های برآزش مدل

RMSEA	AGFI	GFI	NFI	CFI
۰/۰۵	۰/۹۷	۰/۹۶	۰/۹۴	۰/۹۳

مسئله‌مدار مثبت و به منظور تأثیر سبک اجتناب‌مدار منفی بوده است. با توجه به نتایج فوق قابل استنباط هست که دانش‌آموزانی که در هنگام هیجان‌ات خود از خلاقیت و بدیع استفاده می‌نمایند، در مقابل فشارها و استرس‌ها از سبک مقابله‌ای مسئله‌مدار و دانش‌آموزانی که از این خلاقیت هیجانی کمتر بهره می‌برند در هنگام استرس‌های روانی از سبک مقابله‌ای اجتناب‌مدار استفاده می‌نمایند. تحقیقات دیگر همچون نتایج عبدالله‌ای، فراهانی و ابراهیمی (۱۳۸۷)، محمدی، ترابی و غرابی (۱۳۸۷) و داوری (۱۳۸۶) همخوان و همسو است. در راستای تبیین این یافته می‌توان بیان کرد که با توجه به اینکه بر اساس تحقیقات متعدد مقابله مسئله‌مدار سازگارترین راهبرد مقابله‌ای است و کسانی که از مقابله عملی استفاده می‌کنند از نحوه کنترل رویدادهای استرس‌زا رضایت بیشتری دارند و کمتر افسرده و مضطرب می‌شوند. در مشاهده جداول مرتبط با ارتباط سبک مقابله‌ای و خلاقیت هیجانی مشاهده نمودیم که دانش‌آموزان با افزایش خلاقیت هیجانی، استفاده از راهبرد سبک مقابله‌ای مسئله‌مدار را به عنوان سبک مقابله‌ای خود انتخاب می‌کنند. نتیجه فوق را می‌توان به این صورت استدلال کرد که دانش‌آموزان با حمایت‌های هوشمندانه خانواده‌شان که موجب آموزش مهارت‌های تصمیم‌گیری، حل مسئله، تفکر، خودآگاهی و مهارت‌های ارتباطی، موجب دید بازتر و عمیق‌تر آنان نسبت به موضوعات می‌شود و آنان خواهد توانست جنبه‌های مختلف موضوع را مورد بررسی قرار داده و به حل آنان

با توجه به مشخصه‌های نکویی برآزش که در جدول ۳ گزارش شده مدل مذکور از سطح برآزش نسبتاً خوبی برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به منظور ارائه مدلی برای خلاقیت هیجانی دانش‌آموزان بر اساس کارکرد خانواده با نقش واسطه‌ای سبک‌های مقابله‌ای انجام گرفته است. با توجه به نتایج بعد حل مشکل، کنترل رفتار و کارکرد کلی به صورت مستقیم و مثبت خلاقیت هیجانی را در دانش‌آموزان پیش‌بینی می‌کنند. در آزمون کارکرد خانواده با توجه به اینکه نمره مثبت بیانگر کاهش کارکرد خانواده است و در نتیجه افزایش خلاقیت هیجانی در دانش‌آموزان عادی همراه با کاهش نقش مؤثر کارکرد خانواده است، می‌توان این چنین استدلال کرد که در خانواده‌های دارای دانش‌آموزان عادی والدین و اعضای خانواده نقشی مؤثر در افزایش خلاقیت هیجانی دانش‌آموزان نداشته‌اند که می‌تواند بیانگر این موضوع باشد که خانواده نتوانسته است حمایت‌های هیجانی و محیطی متناسب با فرد را ارائه بدهد و باعث ایجاد زمینه‌های مساعد برای افزایش خلاقیت هیجانی فرزندان خود شوند. همچنین تحقیقی که رابطه فوق را بررسی کرده باشد یافت نشد، لذا نیاز است تحقیقات بیشتری در این رابطه صورت پذیرد.

از یافته‌های دیگر پژوهش، معناداری بین خلاقیت هیجانی با سبک مسئله‌مدار و اجتناب‌مدار است. به منظور تأثیر سبک

پردازند که همین امر موجب تصمیم‌گیری‌های درست و در نتیجه کسب آرامش و سلامت روان بیشتر آنان خواهد بود. دانش‌آموزان در ارزیابی شناختی اولیه، موقعیت‌های استرس‌زا را کمتر تهدیدکننده ارزیابی کرده و به این نتیجه برسند که امکان جبران موقعیت‌های تهدیدکننده وجود دارد. آنها همچنین به این باور می‌رسند که می‌توانند از امکانات و منابع خود برای مقابله با موقعیت فشارزا بهره بگیرند (آقاخانی، ۱۳۸۱).

خلاقیت در حوزه هیجانات مستلزم تغییر باورها یا رفتارهای موجود است (آوریل، ۱۹۹۹). افرادی که از سبک مسئله‌مدار استفاده می‌نمایند به هنگام مواجهه با شرایط دشوار و آسیب‌زا، با این ذهنیت که باید در باورها و رفتارهای خود تغییراتی به وجود آورند، به ارزیابی مجدد هیجان می‌پردازند و راهبردهای مناسب حل مسئله را به گونه‌ای خلاقانه و منحصر به فرد به کار می‌گیرند. با توجه به نقش خلاقیت هیجانی در استفاده از سبک کنار آمدن مسئله‌مدار با استرس و پیامدهای سلامتی بیشتر، می‌توان امیدوار بود که با ارتقا خلاقیت هیجانی دانش‌آموزان عزیز، سلامت جامعه نیز ارتقا یابد.

از سویی دیگر یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد چهار مؤلفه حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها و آمیزش عاطفی بر سبک مقابله‌ای مسئله‌مدار مؤثر هستند و می‌توانند تغییرات آن را پیش‌بینی کنند. به منظور تأثیر مؤلفه‌های حل مشکل، ارتباط و نقش و آمیزش عاطفی منفی است. همچنین سه مؤلفه ارتباط، نقش‌ها و کنترل رفتار بر سبک مقابله‌ای اجتناب‌مدار مؤثر هستند و می‌توانند تغییرات آن را پیش‌بینی کنند. به منظور تأثیر مؤلفه‌های ارتباط و نقش‌ها و کنترل رفتار مثبت است. نتایج نشان می‌دهد که بین ابعاد مختلف کارکرد خانواده با انتخاب سبک مقابله‌ای، رابطه معناداری وجود دارد به طوری که می‌توان نمره سبک‌های مختلف مقابله فرد را از روی نمره اکتسابی در ابعاد مختلف مقیاس کارکرد خانواده پیش‌بینی کرد. نتایج فوق نیز هم‌سو با نتایج تحقیقاتی همچون شعاع کاظمی، حقانی، سعادت‌ی و خواجه‌وند (۱۳۹۱)، طاهری و زندی (۱۳۹۱) است و فرضیه پژوهش را تأیید می‌کند.

دانش‌آموزانی که در خانواده‌های دارای کارکرد بهتر زندگی می‌کنند گرایش دارند که از داشتن الگوهای نقش مثبت برای ایجاد روابط و عزت‌نفس بالا سود ببرند. روشی که خانواده‌ها عمل می‌کنند می‌تواند به اعضای آن برای کنار آمدن با شرایط نامناسب زندگی ناگوار و استرس کمک کند. امروزه دانش‌آموزان به دلیل نقش مهمی که در اداره آینده کشور دارند یکی از قشرهای مهم جامعه به شمار می‌آیند. چون این قشر از جامعه است که در آینده متخصصان اصلی در زمینه‌های گوناگون علمی، فنی و هنری بوده و مدیران اصلی در اداره کشور و هدایت سایر اقشار جامعه به سمت

پردازند که همین امر موجب تصمیم‌گیری‌های درست و در نتیجه کسب آرامش و سلامت روان بیشتر آنان خواهد بود. دانش‌آموزان در ارزیابی شناختی اولیه، موقعیت‌های استرس‌زا را کمتر تهدیدکننده ارزیابی کرده و به این نتیجه برسند که امکان جبران موقعیت‌های تهدیدکننده وجود دارد. آنها همچنین به این باور می‌رسند که می‌توانند از امکانات و منابع خود برای مقابله با موقعیت فشارزا بهره بگیرند (آقاخانی، ۱۳۸۱).

خلاقیت در حوزه هیجانات مستلزم تغییر باورها یا رفتارهای موجود است (آوریل، ۱۹۹۹). افرادی که از سبک مسئله‌مدار استفاده می‌نمایند به هنگام مواجهه با شرایط دشوار و آسیب‌زا، با این ذهنیت که باید در باورها و رفتارهای خود تغییراتی به وجود آورند، به ارزیابی مجدد هیجان می‌پردازند و راهبردهای مناسب حل مسئله را به گونه‌ای خلاقانه و منحصر به فرد به کار می‌گیرند. با توجه به نقش خلاقیت هیجانی در استفاده از سبک کنار آمدن مسئله‌مدار با استرس و پیامدهای سلامتی بیشتر، می‌توان امیدوار بود که با ارتقا خلاقیت هیجانی دانش‌آموزان عزیز، سلامت جامعه نیز ارتقا یابد.

از سویی دیگر یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد چهار مؤلفه حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها و آمیزش عاطفی بر سبک مقابله‌ای مسئله‌مدار مؤثر هستند و می‌توانند تغییرات آن را پیش‌بینی کنند. به منظور تأثیر مؤلفه‌های حل مشکل، ارتباط و نقش و آمیزش عاطفی منفی است. همچنین سه مؤلفه ارتباط، نقش‌ها و کنترل رفتار بر سبک مقابله‌ای اجتناب‌مدار مؤثر هستند و می‌توانند تغییرات آن را پیش‌بینی کنند. به منظور تأثیر مؤلفه‌های ارتباط و نقش‌ها و کنترل رفتار مثبت است. نتایج نشان می‌دهد که بین ابعاد مختلف کارکرد خانواده با انتخاب سبک مقابله‌ای، رابطه معناداری وجود دارد به طوری که می‌توان نمره سبک‌های مختلف مقابله فرد را از روی نمره اکتسابی در ابعاد مختلف مقیاس کارکرد خانواده پیش‌بینی کرد. نتایج فوق نیز هم‌سو با نتایج تحقیقاتی همچون شعاع کاظمی، حقانی، سعادت‌ی و خواجه‌وند (۱۳۹۱)، طاهری و زندی (۱۳۹۱) است و فرضیه پژوهش را تأیید می‌کند.

در راستای تبیین این یافته می‌توان بیان کرد که حمایت خانواده و مدرسه موجب افزایش مهارت ارتباطی در

پژوهش حاضر پیشنهادهایی به محققان علاقه‌مند در عرصه خلاقیت هیجانی و کارکرد خانواده مطرح می‌شود: نخست اجرای پژوهش در جوامع گسترده‌تری همچون دانش‌آموزان ابتدایی یا راهنمایی را بررسی کنند. در درجه بعد با توجه به اینکه خلاقیت هیجانی حوزه‌ای جدید در پژوهش‌های کشور ماست پیشنهاد می‌شود به عوامل دیگر خانوادگی همچون سبک‌های فرزند پروری نیز توجه بشود. از محدودیت‌های این پژوهش می‌تواند به عدم حضور خانواده‌ها در اجرای آزمون کارکرد خانواده نام برد.

منابع

- آقاچانی، م (۱۳۸۱). بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان و منبع کنترل نوجوانان در مقطع دبیرستان شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه الزهرا.
- ثنائی، ب. امینی، ف. (۱۳۷۹). مقایسه کارکرد خانواده در دو گروه دانش‌آموزان دختر مستقل و وابسته به دیگران. پژوهش‌های مشاوره (تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره)، ۲ (۷-۸)، ۲۸-۹.
- حمیدی، ف (۱۳۸۶). رابطه هوش هیجانی با سبک‌های مقابله‌ای در نوجوانان دختر و پسر مناطق محروم. مجله روان‌شناسی کاربردی، ۴ (۵)، ۴۴۴-۴۳۲.
- حاجت بیگی، ص. (۱۳۷۹). بررسی رابطه شیوه‌های مقابله با استرس خود کارآمدی و سلامت روان در دانش‌آموزان متوسطه شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد تهران مرکزی.
- جوکار، ب. البرزی، م. (۱۳۸۹). رابطه ویژگی‌های شناخت با خلاقیت هیجانی و خلاقیت شناختی. مطالعات روان‌شناختی دانشگاه الزهراء، ۶ (۱)، ۱۱۰-۸۹.
- داوری، ر. (۱۳۸۶). رابطه خلاقیت و هوش هیجانی، با سبک‌های کنار آمدن با استرس. فصلنامه اندیشه و رفتار، ۲ (۶)، ۶۲-۴۹.
- سایپنگتون، آ. (۱۳۸۲). بهداشت روانی. ترجمه حمیدرضا حسین شاهی برواتی. تهران، انتشارات روان.
- ساروخانی، ب. (۱۳۷۷). طلاق پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن. تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- شعاع کاظمی، م. حقانی، س. سعادت، م. خواجه‌وند، ا. (۱۳۹۱). رابطه بین حمایت اجتماعی خانواده و سبک‌های مقابله‌ای در سیر بهبودی بیماران سرطان پستان. فصلنامه بیماری‌های پستان ایران، ۶ (۴)، ۴۰-۳۵.

کمال و اهداف کشور هستند. لذا خانواده‌ها می‌توانند با توجه به منابع زیادی که برای استرس این افراد وجود دارد این اثرات را تعدیل کرده و دانش‌آموزان را از تأثیرات منفی استرس رها سازد نوع راهبرد اتخاذشده برای مقابله با آن است؛ و از جهت دیگر مؤلفه‌های ارتباط، نقش و کنترل رفتار بر سبک مقابله‌ای اجتناب‌مدار رابطه‌ای مستقیم و معنادار برقرار است. با توجه به اینکه در آزمون کارکرد خانواده جهت مثبت نشان از رابطه‌ای ضعیف را می‌رساند، نشان می‌دهد هرچه خانواده حمایت خود را در ارتباط بین اعضا و عدم درست تخصیص وظایف و تکالیف به اعضای خانواده می‌تواند در انتخاب سبک اجتناب‌مدار دانش‌آموزان در برابر فشار و استرس‌های روانی مؤثر باشد. می‌توان گفت به‌کارگیری سبک‌های مقابله‌ای ناکارآمد و اجتنابی می‌تواند سلامت روانی فرد را به خطر می‌اندازد و در مقابل به‌کارگیری سبک مقابله‌ای مسئله‌مدار و منطقی می‌تواند نقش و سپری مهم در برابر فشارها و استرس دانست. به‌کارگیری سبک مقابله‌ای اجتنابی می‌تواند موجب افزایش افسردگی، اضطراب و علائم جسمانی شود و ناکارآمدی اجتماعی را کاهش دهد (گودرزی و معینی رودبالی، ۱۳۸۵).

درمجموع با توجه به یافته‌های به‌دست‌آمده از جنبه نظری می‌توان گفت با توجه به نبود پژوهش پیشین در زمینه ارتباط مستقیم دو متغیر ابعاد کارکرد خانواده و خلاقیت هیجانی و پراکندگی پژوهش‌های مرتبط با ابعاد این متغیرها، مطالعه حاضر تلاشی هرچند ناچیز در جهت ارتقای دانش موجود در این زمینه بود. در عرصه عمل نیز یافته‌های این پژوهش می‌تواند اطلاعات مهمی برای والدین، مسئولان جامعه و دانش‌آموزان داشته باشد. یکی از این یافته‌ها، تأثیر اندک خانواده‌ها بر خلاقیت هیجانی فرزندانشان بود؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود هزینه سرانه خدماتی در زمینه آموزش صحیح و مؤثر والدین در حوزه پرورش بروز خلاقانه هیجانات فرزندانشان برگزارشده و رهنمودهای آن در سطح جامعه منتشر شود. با نظر به نتایج دیگر پژوهش استفاده از سبک مقابله‌ای مسئله‌مدار و منطقی می‌تواند در بهداشت روانی فرد مؤثر باشد و باعث کاهش علائم افسردگی و اضطراب شود؛ لذا به‌منظور ارتقاء سطح سلامت روانی دانش‌آموزان، توصیه می‌شود با آنان آموزش داده شود که کمتر از سبک‌های مقابله‌ای ناکارآمد، اجتنابی و هیجانی بهره ببرند. بر مبنای

- evaluation. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 844-854.
- Ghadiri nezhgyan, F., & Abdi, B. (2010). Factor structure of emotional creativity Inventory (ECI-Averill, 1999) among Iranian Undergraduate students in Tehran Universities. *Procedia social and behavioral Sciences*, 5, 1442-1446.
- Ivcevic, Z., Brackett, M. A., & Mayer, J. D. (2007). Emotional intelligence and emotional creativity. *Journal of Personality*, 75, 199-236.
- Oriol, X., Lira, M.M, Covarrubias, C. G., & Molina, V. (2016). Positive emotions, autonomy support and academic performance of university students: the mediating role of academic engagement and self-efficacy. *Journal of Psychodidactics*, 21(7), 9-1.
- St-Louis, A., and Vallerand, R. (2015). A successful creative process: the role of passion and emotions. *Creat. Res. J.* 27, 175-187.10400419.2015.103031
- World Health Organization Report (2001). *Mental health: New understanding, new hope*. Geneva, Switzerland: World Health Organization.
- طاهری، ر. زندگی، ک. (۱۳۹۱). مقایسه ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده و متغیر خودپنداره با سبک‌های مقابله‌ای در دانشجویان دختر و پسر موسسه آموزش عالی ارم شیراز. *نشریه ارمغان دانش*، ۱۷، (۴)، ۳۶۹ - ۳۵۹.
- صبری، م. البرزی، م. بهرامی، م. (۱۳۹۲). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده، هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی در دانش‌آموزان دبیرستانی. *مجله اندیشه‌های نوین تربیتی دانشگاه الزهراء*، ۹، (۲)، ۶۳-۳۵.
- عبداللهی، م.ح. فراهانی، م.ت. ابراهیمی، ا. (۱۳۸۷). بررسی و مقایسه رابطه بین سبک‌های مقابله با تنیدگی، خلاقیت هیجانی و سلامت عمومی در دختران دانشجو. *مجله روان‌شناسی*، ۱۲، (۱)، ۱۰۳ - ۸۹.
- قدیری‌نژادیان، ف. (۱۳۸۱). بررسی هنجاریابی مقدماتی مقیاس خلاقیت هیجانی بر روی دانشجویان روزانه دانشگاه‌های تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت‌معلم تهران.
- گودرزی، م.ع. معینی رودبالی، ز. (۱۳۸۵). بررسی رابطه سبک‌های مقابله‌ای و سلامت روانی در دانش‌آموزان دبیرستانی. *مجله دانشور رفتار*، ۱۹، (۱)، ۳۲ - ۲۳.
- محمدی، س.د. ترابی، س.ا. غزایی، ب. (۱۳۸۷). ارتباط سبک‌های مقابله‌ای با هوش هیجانی در دانش‌آموزان. *روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۵۳، ۱۸۳-۱۷۶.
- هاشمی، س. (۱۳۸۸). بررسی رابطه هوش هیجانی، خلاقیت هیجانی و خلاقیت در دانشجویان هنر، ادبیات و علوم پایه. *مجله اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۵، (۲)، ۱۰۳-۷۹.
- Amabile, T.M. (2001). *Beyond Talent: John Irving and the Passionate Craft of Creativity*. *American Psychologist*, 56(4), 333- 336.
- Averill, J.R & Nunley, E.P. (1992). *Voyages of the heart: Living an emotionally creative life*. New York, Macmillan.
- Averill, J.R. (1999). *Creativity in the domain of emotion*. In T. Dagleish M. Power (Eds). *Handbook of cognition and emotion*, 765-782, Chicheste, England: Wiley.
- Averill, J.R. (2001). *The rhetoric of emotion, with a note on what makes great literature great*. *Empirical Studies of the Arts*. 19(1), 5-26.
- Averill, J.R, (2007). *Together again: Emotion and intelligence reconciled*. In G.Mattews, M. zeidner, & R.D. Roberts, (Eds.), *Emotional intelligence: Known and unknowns*. 49-71.
- Billings, A.G & Moos, R.H. (1981). *The role of coping responses and social; resources in attenuating the stress of life events*. *Journal of Behavioral Medicine*, 4, 139-157.
- Epstein, N.B, Baldwin, L.M., & Bishop, D.S. (1983). *The McMaster Family Assessment Device*. *Journal of marital and family therapy*; 9(2): 171-180.
- Endler, N. S., & Parker, J.D.A. (1990). *Multidimensional assessment of coping: A critical*